

# از انتخابات تا بایکوت

حمید تقوائی

مندرج در انترناسیونال ۹۲۵

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است

خلیل کیوان: از یک سو در فضای انتخاباتی جامعه با خواست سرنگونی به میدان آمده است و از سوی دیگر همه میدانند آیت الله قاتل رئیس جمهور بعدی خواهد بود. این وضعیت به کجا خواهد انجامید؟ دوره رئیسی چه تفاوتی با دوره های گذشته دارد؟ رابطه جناح های حکومتی چه شکلی بخود خواهد گرفت، موقعیت نیروهای اپوزیسیون چه خواهد بود و آنها چه تاثیری میتوانند بر روند اوضاع بعد از انتخابات داشته باشند؟ این پرسشها را با حمید تقوایی در میان میگذاریم.

در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری طی هفته ها و روزهای گذشته جنبش سرنگونی گام های بلندی به پیش برداشت. مخالفت ها گسترده تر شد، انتقادات تندتر شد. سرنگونی طلبی در همه جا موج میزند. جو حاکم مملو از ابراز انزجار شدید و کم نظیر از حکومت است. به نظر شما آیا این موج اعتراضی بعد از انتخابات فروکش خواهد کرد و یا گسترده تر خواهد شد؟

حمید تقوایی: به نظر من این موج گسترده تر خواهد شد. ممکن است بعد از انتخابات برای مدت کوتاهی

آن شور و هیجانی که امروز شاهد هستیم ادامه پیدا نکند ولی در یک سطح گسترده و عمیق تری جنبش سرنگونی طلبی به پیش خواهد رفت و حتی جبهه های تازه ای را خواهد شد. جنایتکارترین مهره حکومت و سمبل کشتار و قساوت و سرکوبگری را رئیس جمهور کرده اند، جامعه این را تحمل نخواهد کرد، و این را از هم اکنون نشان داده است. سالی که نکوست از بهارش پیداست. همین لقب آیت الله قاتل بر رئیس جمهور خواهد ماند و مردم در برابر چنین جلادی گسترده تر و پیگیرتر بمیدان خواهند آمد.

از سوی دیگر باید توجه داشت که جنبشهای اعتراضی وسیع جاری، اعتصابات کارگری و جنبش معلمان و بازنشستگان، جنبش دانشجویان و امروز باید گفت دانش آموزان، جنبش رهائی زن، رنگین کمانی ها، جنبش دادخواهی و کلا بخشهای مختلف جامعه با انتخابات شروع نشده است که بعد از انتخابات فروکش کند. این جنبشهای اعتراضی با روی کار آمدن دولت رئیسی تعرضی تر و وسیع تر خواهند شد. بویژه حول مساله سرنگونی و نه به حکومت جامعه وارد یک فاز

تعرضی تر و قطبی تر و با فریاد صریح تر و علنی تر علیه کل حکومت شده است. این غول را دیگر نمیتوان به شیشه برگرداند. من در این تردیدی ندارم و فکر میکنم دوران بحرانهای عمیق تر سیاسی و اجتماعی حکومت فرا رسیده است و در دور آتی جامعه با شور و پیگیری و نه عمیقتری علیه کل حکومت خواهد ایستاد.

خلیل کیوان: تاثیر این انتخابات و ریاست جمهوری رئیسی در جهت گیری و سیاستهای رژیم چه خواهد بود؟ از نظر اقتصادی، رابطه با غرب، رابطه جناح ها با هم - منظورم کشمکشها جناح ها است که در دوره انتخابات اوج گرفت - وضعیت چه خواهد بود؟ آیا حکومت یکپارچه میشود و یا بهم ریخته تر خواهد شد؟

حمید تقوایی: صفوف حکومت به هم ریخته تر میشود چون مساله اصلی حکومت رابطه جناحها با هم نیست، بلکه رابطه کل حکومت با مردم است. اختلافات جناح ها هم از اینجا ناشی میشود. هر چه مردم زمین را زیر پای اینها بیشتر داغ کنند، جناحها بیشتر بجان یکدیگر خواهند افتاد. این را در تجربه دیده ایم. در

جریان همین انتخابات دیدیم باندهای حکومتی تلاش میکنند تقصیرها را به گردن یکدیگر بی اندازند و حتی نزدیکترین و خودی ترین مهره های رژیم انتخابات را انتصابات مینامند و میگویند نتیجه از پیش معلوم است، چیزی از جمهوری باقی نمانده است و گفتمان هایی از این قبیل. حتی خودی ترین خودی های رژیم که از فیلتر شورای نگهبان رد نشده اند زبانشان دراز شده و اعتراضات و انتقاداتی مطرح میکنند که دیگر گله و شکایت نیست بلکه مشروعیت کل نظام را بزیر سؤال میبرد. مطمئن باشید بعد از انتخابات هم این دعواها و کشمکشها ادامه پیدا خواهد کرد. بنابراین تا آنجا که به جناحها مربوط میشود نه تنها چشم انداز یکپارچه شدن حکومت وجود ندارد بلکه برعکس صفوف حکومت به هم ریخته تر میشود.

از نظر اقتصادی هم که بخش دیگر سؤال شما بود حکومت راه برون رفتی ندارد. حکومت با یک بحران مزمن و باید گفت بن بست و فروپاشی اقتصادی روبروست. دارند تلاش میکنند به نحوی با احیای برجام تخفیفی در این بحران بدهند ولی این هم مشکلی از

حکومت حل نخواهد کرد. بخصوص باید توجه داشت که خطی که الان در حکومت دست بالا دارد و بعد از این انتخابات علاوه بر سپاه و بسیج و مجلس و قوه قضائیه، کاملاً بر دولت هم مسلط خواهد شد، اساساً با مرگ با آمریکا و غرب ستیزی خود را معرفی کرده است و با این پرچم میخواهد حکومت را سرپا نگه دارد که این خود یعنی انزوای بیشتر اقتصادی و تشدید بحران و بی‌افقی اقتصادی حتی اگر به نوعی توافق با غرب هم برسند. فی الحال مردم با گرانی‌های و تورم سرسام‌آور و بیکاری و فقر و شرایط معیشتی غیر قابل تحمل روبرو هستند و این مشکلات همچنان آن منشا و محوری خواهد بود که اعتصابات کارگری و مبارزات توده‌ای حولش ادامه خواهد یافت و وسیع‌تر خواهد شد. از نظر اقتصادی و شرایط معیشتی هم به نظر من چشم اندازی در برابر حکومت قرار ندارد.

خلیل کیوان: بعد از انتخاب آیت‌الله قاتل چه تصویری از رابطه مردم با رژیم میتوان داشت؟ آیا سرکوبها و بگیر و ببندها بیشتر میشود؟ آیا در دوره پیش رو شاهد تعرض بیشتر رژیم به مردم خواهیم بود و یا برعکس شاهد

تضعیف بیشتر حکومت در مقابل مردم؟

حمید تقوایی: حکومت معمولاً قبل از انتخاباتها فشارها و سختگیریها را کمتر میکند که به بازار انتخاباتی اش رونقی بدهد. روشن است که بعد از انتخابات از این نظر شرایط سخت تر خواهد شد و دیگر مثلاً برگزاری میتینگها و تریبونهای آزاد خیابانی امکان نخواهد داشت. این روشن است. مردم هم این را میدانند و به همین خاطر از فضای موجود بیشترین استفاده را میکنند تا نفرت و انزجار خود را از حکومت بیان کنند و اعلام کنند جمهوری اسلامی را نمی خواهند. اما همانطور که اشاره کردم همین اعلام خیابانی سرنگونی از جانب مردم عادی در خیابانها، فضای اعتراضی در جامعه را کلاً تغییر خواهد داد و بزیر کشیدن رژیم را به محور و مضمون اصلی اعتراضات تبدیل خواهد کرد.

تا آنجا که به سیاست سرکوب علی العموم مربوط میشود این همیشه در دستور کار هر دو جناح بوده است. چه در دوره رفسنجانی و خاتمی و چه احمدی نژاد و روحانی اعدام و سرکوب و بگیر و ببند همیشه جاری بوده است.

امروز هم سؤال این نیست که آیا حکومت سرکوب خواهد کرد یا خیر. سؤال اینست که آیا این سرکوبگری‌ها میتواند جامعه را مرعوب کند، جامعه را مختنق کند، و مردم را به خانه بفرستد؟ پاسخ به روشنی منفی است. رژیم تا آنجا که توانسته است از بگیر و ببند و سرکوب مضایقه نکرده ولی با این حال میبینیم جامعه نه تنها آرام نگرفته بلکه هر روز اعتراضات وسیع‌تر شده است. در همین اوج بگیر و ببندها است که مردم در خیابانها و در مدیای اجتماعی و در کلیپها . علنا و صریحا هر چه میخواهند علیه حکومت و مقاماتش میگویند. این حرکت علیرغم سرکوبها ادامه پیدا خواهد کرد.

بنابراین جواب من بطور خلاصه به سؤال شما این است که حکومت به سرکوب و سیاست بگیر و ببند ادامه میدهد چون چاره‌ای ندارد و غیر از این نمیتواند خودش را در قدرت نگهدارد، ولی این تلاشها باعث نمیشود مردم ساکت بشوند و فریاد اعتراضشان را بلند نکنند کما اینکه تا کنون چنین نتیجه‌ای نداشته است. به ویژه با توجه به اینکه یک قاتل رسوا که مستقیما مسئول اعدام هزاران نفر بوده است را رئیس جمهور



میکنند و در شرایطی که فی الحال جنبش دادخواهی با یک پرونده قطور علیه او بمیدان آمده است میتوان گفت مبارزات مردم تعرضی تر خواهد شد و بخشهای جدیدی از جامعه به صف اعتراض خواهند پیوست. از این نقطه نظر نیز حکومت تضعیف خواهد شد.

خلیل کیوان: اجازه بدهید به اپوزیسیون پردازیم. دیدیم که راه حل‌های سازشکارانه استحاله و فراندوم و رژیم چنج و غیره کنار زده شده است. به نظر میرسد تعرض خیابان نیروهای بیشتری از اپوزیسیون را هم به طرف سرنگونی طلبی رانده است. آیا به نظر شما این وضعیت شرایط را برای اتحاد و یا لااقل همکاریهای بیشتر نیروهای اپوزیسیون فراهم نمیکند؟ میدانید همیشه این نقد مطرح بوده است که مشکل اپوزیسیون پراکندگی است و بسیاری معتقدند سرنگونی جمهوری اسلامی در گرو اتحاد نیروهای اپوزیسیون است. آیا امروز این اتحاد حول سرنگونی نمی تواند شکل بگیرد؟

حمید تقوایی: به نظر من اینکه نیروهای اپوزیسیون بیشتری به سرنگونی طلبی روی آورده اند و اعلام

میکنند جمهوری اسلامی باید برود تحول مثبتی است. همانطور که اشاره کردید قبلا اینطور نبود. قبلا بخشی از این نیروها به جنبش سبز و یا بنفش دخیل می بستند، و فکر میکردند با این شیوه میتوان تغییری ایجاد کرد. اپوزیسیون راست حتی از اسم سرنگونی احتراز میکرد، از رژیم چنج و انحلال و براندازی صحبت میکرد و از فراندوم و تغییر قانون اساسی و نافرمانی مدنی فراتر نمیرفت. امروز خوشبختانه سرنگونی به گفتمان غالب تبدیل شده و اکثر قریب به اتفاق نیروهای اپوزیسیون اعلام میکنند این حکومت اصلاح پذیر نیست و باید برود. این تاثیر مبارزات توده ای و خیابانی است، تاثیر خیزش های توده ای ۹۶ و ۹۸ است، تاثیر اعتصابات گسترده کارگری است، تاثیر جنبش دادخواهی، مادران آبان و خانواده های جانبازان شلیک به هواپیما است که چنین با قدرت به میدان آمده است و به چیزی کمتر از سرنگونی رژیم و محاکمه سران آن رضایت نمیدهد. اینها همه تاثیر مثبتی بر اشاعه سرنگونی طلبی در میان اپوزیسیون داشته است.

اما آیا این امر به معنی اینست که همه نیروهای

اپوزیسیون بر سر این نقطه توافق می‌توانند گرد هم جمع بشوند و ائتلاف کنند یا متحد بشوند؟ به نظر من اینطور نیست. امروز بحث هم در جامعه، و هم در نتیجه در میان نیروهای اپوزیسیون، بر سر مضمون و معنی سرنگونی است. سؤال اینست که نه به جمهوری اسلامی یعنی نه به چه؟ نه به اسلام نوع خمینی؟ نه به ولی فقیه؟ نه به دولت؟ نه به قانون اساسی؟ و یا نه به کل این نظام، نه به دولت مافوق مردم، نه به کل دستگاه بوروکراسی، نه به زندان و سرکوب و سپاه و بسیج و کل نیروهای مسلح حرفه‌ای، نه به فقر و شکاف عمیق بین فقر و ثروت، نه به بردگی مزدی؟ امروز بحث بر سر اینست که سرنگونی را چه حد عمیق و ریشه‌ای و چقدر واقعا کارساز و رهائی بخش مطرح میکنید. مردم پرچم سرنگونی را با مضمون و معنایی رادیکال بلند کرده‌اند ولی تبیین و منظور نیروهای اپوزیسیون از سرنگونی یکسان نیست. حتی قبل از انتخابات و قبل از اینکه مردم چنین علنی و صریح و مستقیم شعار سرنگونی را طرح کنند در میان نیروهای اپوزیسیون حتی در میان سرنگونی طلبها تعابیر و تبیین‌های متفاوتی از سرنگونی وجود داشت. هنوز هم اینطور است. امروز باید سرنگونی

با عمیق ترین و جامع ترین معنی و مضمون و در جامعه و در میان مردم اشاعه پیدا کند. همه مردم میدانند که سرنگونی یعنی اعدام نباشد، قصاص نباشد، مذهب در حکومت نباشد و سایه سیاهش از دولت و آموزش و پرورش و قوانین جامعه جمع شود، اینها همه جزو معانی و تعابیری است که مردم از سرنگونی دارند. مثلا جنبش دادخواهی خواهان نه تنها سرنگونی بلکه محاکمه مقامات حکومت است. اینها پیشرویهای جنبش سرنگونی است. باید این پیشرویهها تا سطح یک تصویر روشن و شفاف و عمیق و ریشه ای از شعار سرنگونی در جامعه اشاعه پیدا کند و این کار احزاب انقلابی ای نظیر حزب ما است. باید تصویر و انتظار و توقع جامعه از نه به جمهوری اسلامی را ارتقا داد تا نیروهای سازشکار و ضدانقلاب نتوانند در نیمه راه مردم را متوقف کنند و با کمترین تغییری اعلام پیروزی کنند و مردم را به خانه بفرستند. در میان نیروهای اپوزیسیون نیز ابتدا باید بر سر مضمون رادیکال و ریشه ای و جامع سرنگونی حکومت به توافق رسید تا بتوان قدمهای بعدی را تعریف کرد.

خلیل کیوان: علیرغم این توضیحات چه در مورد اتحاد و چه معنا و مضمون سرنگونی، با این سؤال روبرو هستیم که در شرایط حاضر اپوزیسیون در قبال این گرایش و حرکت گسترده مردم برای سرنگونی چه باید بکند؟ نیروهای اپوزیسیون چطور میتوانند از اعلام سرنگونی فراتر بروند و در بزیر کشیدن جمهوری اسلامی نقش عملی ایفا کنند؟

حمید تقوایی: این سؤال در واقع بر سر چه باید کرد است و سؤال مهمی است. ما بعنوان یک حزب سرنگونی طلب که در تمام دوران فعالیت خود و مدت‌ها قبل از اینکه این شعار خیابانی بشود پرچم سرنگونی را بلند کرده ایم و همیشه گفته ایم تنها راه، بزیر کشیدن حکومت به قدرت انقلاب مردم است و نه به بالائی‌ها باید امید بست، نه به استحاله و نه به رژیم چنج و طرح‌هایی مثل رفراندوم و تغییر قانون اساسی و غیره و غیره، و با این گفتمان در مبارزات جاری مردم و جنبش‌های اعتراضی فعالانه شرکت کرده ایم، طبعاً فکر میکنیم هر نیروی اپوزیسیون باید همینطور فعالیت کند. فعالیت و دخالتگری بویژه بسیار تعیین کننده است. مساله

از اینکه چه خط و تحلیل و موضعی داریم و حتی چه شعاری مطرح میکنیم و چه اهدافی داریم فراتر میرود. یک حزب سیاسی از یک محفل آکادمیک و یا تحقیقاتی و ژورنالیستی و جمع مفسرین تحولات و بررسی وقایع بعد از وقوع اساسا متفاوت است. حزب سیاسی خود نیروی شکل دهنده به تحولات است و تمام امکاناتش را به کار میگیرد تا خط و افقش، مواضع و تحلیل ها و شعارها و اهدافش، به نیروی اجتماعی دخیل در تحولات تبدیل بشود و جامعه عمل بپوشد. جامعه ایران رو به جلو آمده است بر مبنای تحلیل و تبیینی که احزاب چپ رادیکال از جمله حزب ما مطرح کرده است، ولی نه به این معنی که ما فقط حرف زده ایم و مردم عمل کرده اند. خود حزب ما دست اندر کار بوده است. در جنبشهای مختلف. از مبارزه علیه اعدام بگیرید تا مبارزه برای بالا بردن سطح دستمزدها، برای حق تشکل کارگران، تا مبارزه برای درهم شکستن آپارتاید جنسی و تبعیضات فاحش علیه زنان و غیره و غیره. ما نه تنها یک افق و چشم انداز را جلوی جامعه میگذاریم بلکه وظیفه داریم با دخالت گری فعال و پیگیر جامعه را به آن سمت سوق بدهیم، هدایت کنیم، متشکل کنیم و به میدان بیاوریم.

به نظر من امروز برای پیشروی و پیروزی جنبش سرنگونی و انقلاب در ایران باید دست به اقدامات عملی معینی زد. یکی از مهمترین این اقدامات تلاش برای بایکوت جمهوری اسلامی در سطح جهانی است. مردم ایران بپا خاسته اند و در خیابانها و در مدیای اجتماعی با اسم و رسم و علنا اعلام میکنند رای من سرنگونی است. ما باید این خواست و شعار را خطاب به جامعه جهانی نمایندگی کنیم و به نهادهای بین المللی مثل سازمان ملل و سازمان جهانی کار و دولتها اعلام کنیم که این حکومت قاتل مردم ایران است و نه نماینده مردم ایران و به همین دلیل باید در سطح جهانی برسمیت شناخته نشود و طرد بشود. باید سفارتخانه های آن را بست و در مجامع بین المللی راهش نداد. نه تنها از نظر سیاسی بلکه از لحاظ هنری و ورزشی هم نباید اجازه داد جمهوری اسلامی در مناسبتها و گردهمائی های مثل المپیک و جشنواره های فیلم و نمایشگاه کتاب و نظایر آن حضور بهم برساند. این به نظر من اقدام معینی است که بر فضای عمومی سیاسی و حرکت مردم در جهت سرنگونی تاثیرات زیادی خواهد داشت. فراخوان

من به همه نیروهای اپوزیسیون این است که به کارزار بایکوت جمهوری اسلامی پیوندند.

خلیل کیوان: برخی میگویند دولتهای غربی پای بایکوت نخواهند آمد چون منافعشان اقتضا نمیکند. بعضی از گروههای چپ هم استدلال میکنند که این دولتها مدافع سرمایه داری هستند و خواستهها و مبارزات مردم ایران برایشان اهمیتی ندارد. در این مورد چه نظری دارید؟

حمید تقوائی: طبعاً دولتها را اگر به حال خودشان بگذارید پای سیاست بایکوت نخواهند آمد. سؤال اینست که آیا می توانیم آنها را تحت فشار قرار بدهیم و وادار کنیم؟ آیا میشود نیروهای مترقی و آزادیخواه و سکولار و چپ در خارج کشور و حتی احزاب متشکلی که علیه جمهوری اسلامی هستند و همچنین افکار عمومی مردم در کشورهای غربی را علیه جمهوری اسلامی بسیج کرد و به میدان آورد؟ و از این طریق نهادهای بین المللی و دولتها را تحت فشار قرار داد که جمهوری اسلامی را طرد کنند؟ به نظر من این امکان پذیر است. باید توجه داشت که قضیه سیاه و سفید



نیست. یعنی یا همه دولت‌ها رابطه خود را با جمهوری اسلامی قطع میکنند و یا همه با آن مماشات میکنند. دیدیم که اینطور نیست. در یکی دو سال اخیر روندی شروع شده است که مثلاً در جریان اعتراض به حکم اعدام نوید افکاری نه تنها نیروهای مترقی و توده مردم در یک ترند و طوفان تویتری میلیاردي جهانی به این حرکت پیوستند بلکه دولت‌ها و روسای کشورها هم علیه جمهوری اسلامی موضع گرفتند. چهل و چند دولت غربی در بیانیه مشترکی جمهوری اسلامی را به این دلیل و بخاطر نقض حقوق بشر محکوم کردند. قبل از آن امنستی با لحنی رادیکال تر و قاطع تر از همیشه جمهوری اسلامی را به عنوان ویرانگران انسانیت به چالش کشید. اخیراً دادگاهی در کانادا، دادگاه عالی ایالت انتاریو، شلیک به هواپیمای مسافربری اوکراینی را اقدامی تروریستی و عامدانه نامید و به این خاطر خامنه‌ای و سران سپاه را با اسم و رسم محکوم کرد. این تحولات تازه است و مثلاً سه سال قبل شاهد این نوع موضع‌گیری‌ها علیه حکومت اسلامی نبودیم. دنیا دارد به این طرف می‌آید.

بر چنین زمینه ای است که من فکر میکنم میشود با اعمال فشار از پائین و با قدرت افکار عمومی مردم شریف دنیا و حتی نهادهائی مثل دادگاه عالی انتاریو و یا عفو بین الملل کاری کرد که جمهوری اسلامی ابتدا از نهاد هایی مثل آی ال او ( سازمان جهانی کار) اخراج بشود و به جشنواره های هنری و مسابقات بین المللی راه داده نشود. در این روند میتوان دولتها را هم به این سمت سوق داد. این امر کاملاً امکان پذیر است.

خلیل کیوان: برخی با این سیاست موافقند ولی میگویند این مشروط بر این است که یک تشکل فراگیر ایجاد بشود. به تجربه آفریقای جنوبی رجوع میکنند و میگویند باید جبهه متحدی مثل کنگره ملی آفریقا ( ای ان سی) وجود داشته باشد تا این سیاست موفق بشود و از اینجا باز به ضرورت اتحاد نیروهای اپوزیسیون حول این مساله میرسند. نظر شما چیست؟

حمید تقوائی: به نظر من حول این مساله قبل از هر چیز اتحاد عمل، یعنی اقدام مشترک، ممکن و ضروری است. ای ان سی هم که در جریان بایکوت رژیم آپارتاید آفریقای

جنوبی تشکیل شد این مراحل را پشت سر گذاشته بود. اینطور نیست که اگر نیروهای اپوزیسیون دور هم جمع شوند و چیزی شبیه کنگره ملی آفریقا اعلام کنند دولت‌ها قانع خواهند شد که باید جمهوری اسلامی را بایکوت کرد. دولت‌ها اگر پای این سیاست نمی آیند به این دلیل نیست که جمعی شبیه کنگره ملی آفریقا را مقابل خود نمی بینند، بلکه به این دلیل است که این جنبش و این حرکت به اندازه کافی انظار عمومی جهانیان را به خود جلب نکرده است. ببینید هر دولتی از سر منافع خودش حرکت میکند و هیچ دولتی دلش برای مردم ایران - و یا مردم آفریقای جهانی در آن زمان - نسوخته است ولی وقتی حساب و کتاب قدرت خودشان در کشور متبوعه شان را میکنند می بینند در برابر افکار عمومی که خواهان بایکوت جمهوری اسلامی هستند شکست خواهند خورد و ممکن است در انتخابات بعدی رای از دست بدهند. همانطور که جنگ ویتنام را عملاً مردم آمریکا تمام کردند و دولت جانسون گفت ما این جنگ را در اتاق نشیمن های مردم آمریکا باختیم. به این دلیل که یک اعتراض عمومی علیه این جنگ شکل گرفته بود و دولت مربوطه دیگر به صلاح خودش نمی دید که

در برابر این فشار مقاومت کند.

ما هم باید به چنین فشاری شکل دهیم. آیا برای این امر باید جبهه و یا ائتلافی تشکیل دارد؟ شاید در مقطعی بتوان ارگانی هم برای پیشبرد این امر تشکیل داد ولی هنوز به آنجا نرسیده ایم. قبل از هر چیز باید نیروهای بیشتری قدم به این میدان بگذارند و من متاسفانه استقبال چندانی ندیده ام. حزب ما مدتهاست این سیاست را در دستور دارد و چهره ها و افرادی هم خوشبختانه این امر را دنبال میکنند و یا از داخل کشور اطلاعیه ها و بیانیه هائی با خواست بایکوت سیاسی رژیم طرح شده ولی متاسفانه نیروهای سازمان یافته و متشکل اپوزیسیون به موضوع طرد جهانی جمهوری اسلامی توجهی چندانی ندارند. به همین خاطر گام اول اینست که عملا نیروهای اپوزیسیون به این حرکت روی بیاورند و هر یک با زبان و بیان خودش و به هر شیوه ای میتوانند و مناسب می بینید، در مدیای اجتماعی و یا فعالیتهای لابی ایستی و غیره پرچم بایکوت جمهوری اسلامی را بلند کند. در ادامه این روند میشود از همکاری بیشتر بر سر این مساله هم صحبت کرد.

خلیل کیوان: در هر حال سرنگونی رژیم در گرو شکلگیری یک حرکت و انقلاب توده ای در ایران است. مبارزه برای بایکوت حکومت امری مربوط به رابطه دولتها با رژیم است. تاثیر این بر مبارزات خیابانی و کلا جنبشهای اعتراضی در داخل ایران چیست؟

حمید تقوائی: به نظر من اگر ما خوب عمل کنیم و این امر را به پیش ببریم به زبان گویا و نماینده مردم ایران رو به جامعه جهانی تبدیل خواهیم شد. روشن است که هیچ دیوار چینی خارج کشور را از داخل کشور جدا نکرده است. بخصوص در دنیای امروز و عصر اینترنت که دنیا به یک دهکده جهانی تبدیل شده این دو حوزه مستقیماً بر هم تاثیر دارند. در اعتراض به حکم اعدام نوید افکاری دیدیم که در مدیای اجتماعی چطور دنیا به حرکت درآمد و این امر به نوبه خودش بر اعتراض به مجازات اعدام در خود ایران تاثیرات مثبتی داشت. امروز در مورد اعتراض به زندانی شدن برادران افکاری نیز عین همین پدیده را مشاهده میکنیم. در مبارزه برای بایکوت جمهوری اسلامی هم تنها اپوزیسیون

در خارج کشور فعال نیست بلکه حرف مردم ایران و اکتیویست‌ها و نهادهای اعتراضی از داخل ایران نیز همین است. رئیسی را آیت الله قاتل می نامند. مردم با اسم و رسم اعلام میکنند رای ما سرنگونی است. جنبش دادخواهی و خانواده های قربانیان آبان ماه و سقوط هواپیما خواهان محاکمه سران حکومت هستند و غیره و غیره. جامعه فی الحال در یک سطح وسیعی اعلام کرده است این حکومت را نمیخواهد. ما باید منعکس کننده این خواست مردم ایران در سطح جهانی باشیم. باید مردم ببینند که نیروهای رادیکالی مثل حزب ما هستند که پرچم سرنگونی جمهوری اسلامی را بلند کرده اند و در این راستا اقدامات عملی معینی را برای طرد جهانی حکومت اسلامی شروع کرده اند. معنی و مضمون طرد و بایکوت، سرنگونی جمهوری اسلامی در انظار جهانی و در سطح بین المللی است. اگر این اتفاق بیافتد مطمئن باشید جنبش مردم ایران برای بزیر کشیدن حکومت بسیار تسهیل خواهد شد. اگر ما بتوانیم این را به دولتها تحمیل کنیم که دست از سازش و مماشات با جمهوری اسلامی بکشند و آن را به عنوان قاتل مردم ایران بایکوت کنند، اگر خواست

مردم ایران برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی در جهان نمایندگی بشود، مطمئن باشید جنبش سرنگونی در داخل ایران هم قدمهای بزرگی بجلو خواهد داشت و تعرضی تر و قدرتمندتر خواهد شد. حتی اگر کارزار بایکوت به طرد کامل جمهوری اسلامی از جانب همه دولتها منجر نشود بلکه تنها به یک گفتمان غالب در جهان تبدیل بشود، نفس این امر کمک بزرگی به مبارزات مردم ایران خواهد بود. این کاملاً ممکن است که فعالین و نهادهای اعتراضی در ایران که هم اکنون به مناسبتهای مختلف مثل هشت مارس و اول مه و یا در همین انتخابات اطلاعاتیه و بیانیه میدهند و یا پیامها و کلیپهای آنلاینی منتشر میکنند این را هم مطرح کند که حکومت ایران نماینده ما نیست و جهان باید آن را بایکوت کند. میتواند از داخل ایران این صدا بلند شود و این وظیفه ما است که در خارج کشور این پرچم را بلند کنیم و به کارزار بایکوت جمهوری اسلامی دامن بزنیم.

خلیل کیوان: جامعه بارها در سطح میلیونی بپا خاسته است، از جمله در ۸۸ و ۹۶ و ۹۸. اما هر بار به عقب

رانده شده است. آیا باز هم همین اتفاق نخواهد افتاد؟  
آیا با یک دور باطل مواجه ایم؟ برای شکست این دور  
چه باید کرد؟

حمید تقوایی: معمولاً گفته میشود مبارزات مردم بجائی  
نرسیده است و رژیم هنوز سر جای خودش هست و این  
مبارزات به نتیجه ای نمی رسد و غیره. من با این نظر  
موافق نیستم. ببینید مبارزه و شکلگیری انقلاب یک  
روند است. و این روند در جهت تقویت صف مردم و  
تضعیف رژیم به پیش رفته است. در این چهار دهه ای  
که حکومت اسلامی سرکار بوده است از سرکوبگری ها و  
اعدامهای دهه شصت تا امروز راه پر پیچ و خمی را طی  
کرده ایم. اما امروز حکومت از هیچ نظر در آن شرایط  
نیست. نسل ما به خوبی بیاد دارد که در دهه شصت چه  
جو مختنق و پلیسی ای را بر جامعه حاکم کرده بودند.  
با حمله ای که به دانشگاهها کردند، با یورش نظامی به  
کردستان و با اعدامهای جمعی که همین جناب آیت الله  
قاتل مسئول و عامل مستقیم آن بود، جامعه را مرعوب و  
مختنق کرده بودند. اینها را جامعه از سر گذرانده است  
و امروز بجائی رسیده ایم که حتی خودی های رژیم



از یکدیگر افشاگری میکنند، میگویند این انتخابات نیست انتصابات است، تقصیر دزدیها و کشتارها را به گردن یکدیگر می اندازند، و از طرف دیگر مردم صریحا و علنا اعلام میکنند این حکومت را نمیخواهند و رای شان سرنگونی است.

این شرایط بر متن یک بحران عمیق و همه جانبه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی حکومت ایجاد شده است، بر متن فروپاشی اقتصادی، و شکستها و ناکامی های پیایی حکومت در منطقه و رسوائی جهانی او از جمله بخاطر شلیک به هواپیما و شلیک به مردم معترض در آبان ماه و غیره و غیره. اینها همه نشانه های یک روند و تحولی در جامعه است که روز بروز به نفع قدرت بیشتر مردم و تضعیف بیشتر حکومت در حال تغییر است. ما شاهد روند انسجام و قدر قدرتی بیشتر حکومت نیستیم، آنطور که مثلا بعد از کودتای ۲۸ مرداد اتفاق افتاد. و یا شرایطی که بعد از کودتای پینوشه در شیلی پیش آمد. البته حکومت خیلی تلاش کرد این شرایط را ایجاد کند اما نتوانست، مردم اجازه ندادند. هر روز ضعیف تر شدند و امروز مثل عقرب در

محاصره آتش دارند به خودشان نیش میزنند. بنابراین بهیچوجه با درجا زدن و یا یک دور باطل روبرو نیستیم. به نظر من صف اعتراض و صف انقلاب برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی هرچه گسترده تر و عمیق تر و متحدتر و تعرضی تر شده و حزب ما که در این روند نقش داشته است، بیش از پیش خواهد کوشید که این صف متحد تر و قدرتمندتر شود و تا سرنگون کردن کل این حکومت و نظام ادامه پیدا کند و به پیروزی برسد.

۱۷ ژوئن ۲۰۲۱

وب سایت:  
[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

تقاضای عضویت و همکاری، ارسال پیام و  
گزارش از طریق:

پیامگیر تلگرام: [@wpi\\_tamas](https://t.me/wpi_tamas)

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

سیگنال، واتساپ و تلگرام

اینستاگرام